

## مقدمه

پیشرفت‌های سریع فناوری اطلاعات و ارتباطات، همچنین رقابت‌های اقتصادی و سیاسی بین‌المللی موجبات ظهور پدیده جهانی شدن اقتصاد را در عصر حاضر فراهم نموده است. یکی از آثار مهم جهانی شدن اقتصاد، افزایش رقابت در سطح بین‌المللی است.

اقتصاد آینده در دست کشورهایی خواهد بود که با توسعه بخش خصوصی و کارآفرینی، فرصت‌های ایجاد شده را شناسایی و بازارهای جدیدی را خلق کند و زمینه اشتغال‌زایی و تولید ثروت و رشد اقتصادی را فراهم آورد. بازارهای فردا در اختیار شرکت‌هایی است که به ریسک‌های کارآفرینانه بها می‌دهند و برای سرمایه‌های انسانی و فکری خود سرمایه‌گذاری می‌کنند.

# آموزش کارآفرینی؛ حلقه گمشده نظام تعلیم و تربیت

## کلیدواژه‌ها: کار

آفرینی، تعلیم و تربیت، کار  
و فن‌آوری

## کارآفرینی

عبارت است از  
فرهنگ خلاقیت  
و نوآوری توأم با  
ریسک‌پذیری در  
فضای کسب و کار  
(محبی ۱۳۹۲)



با توجه به تحولات «اقتصادی» و «اجتماعی، فرهنگی» کارآفرینان در خط مقدم رشد و توسعه اقتصادی قرار گرفته‌اند. به این ترتیب بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، کارآفرینی را به‌عنوان یکی از محورهای اصلی سیاست‌های خود دنبال می‌کنند.

- بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که تقویت فرهنگ کارآفرینی و آموزش مهارت‌های کسب و کار، موفقیت اقتصادی و اجتماعی فردی و جمعی جامعه را در مقیاس محلی، ملی و جهانی توسعه و گسترش می‌دهد (سپهری ۱۳۹۰).<sup>۱</sup>

با توجه به نکات فوق به‌نظر می‌رسد یکی از رسالت‌های مهم آموزش و پرورش، زمینه‌سازی جهت توسعه فرهنگ کار و کارآفرینی در بین دانش‌آموزان است تا به‌گونه‌ای تربیت شوند که در مراحل مختلف زندگی بتوانند متناسب با نیازهای جامعه، فرصت‌های کسب و کار را کشف یا خلق کنند و ضمن کسب پاداش‌های مبتنی بر استقلال‌طلبی، زمینه توسعه و رشد اقتصادی و اجتماعی جامعه را فراهم آورند. تحقیقات مؤید آن است که افراد، ضمن دستیابی به تجربه در محیط‌های کسب و کار، نیازمند آموزش و کسب مهارت‌های کارآفرینی نیز هستند. بر این مبنا در ادامه فعالیت‌های آموزش و توسعه کارآفرینی در بین دانش‌آموزان شاخه فنی و حرفه‌ای و کاردانش، قرار است برنامه «جامعه آفرینی» تدوین<sup>۲</sup> شود و متناسب با آن، همه دانش‌آموزان مهارت‌های کارآفرینی را کسب نمایند.

در این میان ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی از سوی مقام معظم رهبری<sup>۳</sup>، که در آن به موضوع کارآفرینی نیز اشاره نموده‌اند، فرصتی است تا در این زمینه، ضمن آسیب‌شناسی از وضع موجود، راهکارهای مناسب طراحی و مدیریت شود.

در کنار اسناد فوق، در اسفند سال ۹۲ تفاهم‌نامه‌ای بین معاونت آموزش متوسطه به نمایندگی از آموزش و پرورش و دانشکده کارآفرینی تدوین و منعقد شده است. براساس این تفاهم‌نامه قرار است فعالیت‌های مشترکی در زمینه آموزش، پژوهش و... طراحی و اجرا گردد.

### سیر مفهوم کارآفرینی

کارآفرینی در مسیر تکاملی خود مشخصاً در قرن هفدهم به‌طور جدی مورد توجه قرار گرفته است. در این دوره بین «ریسک» و واژه «کارآفرینی» ارتباط

برقرار می‌شود. ریچارد کانتیلون (۱۷۲۵) اقتصاددان برجسته ایرلندی، ریسک را جزء اصلی فرایند کارآفرینی معرفی می‌کند. وی بین تأمین‌کننده سرمایه، با کسی که ریسک اجرای پروژه را می‌پذیرد تفاوت قایل می‌شود.

اواسط قرن بیستم ژوزف شومپتر، اقتصاددان چک و از استادان دانشگاه هاروارد، خلاقیت و نوآوری را وجه تمایز کارآفرینان و افراد عادی دانست و با مطرح کردن مفهوم «تخریب خلاق» در توسعه این مفهوم نقش جدی داشته است. وی کارآفرین را فردی نوآور و پدیدآورنده فناوری‌های نو می‌دانست.

در ادامه، مک کلند کارآفرین را فردی فعال، که ریسک‌های معمول را می‌پذیرد، معرفی کرد و انگیزه پیشرفت (تمایل به موفقیت) را به‌عنوان یکی از ویژگی‌های مهم کارآفرینان به‌شمار آورد. پیتر دراکر، نظریه‌پرداز اتریشی (پدر مدیریت نوین) نیز، در سال ۱۹۶۴ کارآفرین را فردی دانست که فرصت‌ها را به حداکثر می‌رساند.

در سال ۱۹۸۵، رابرت هیسریچ، کارآفرینی را فرایند خلق چیزی با ارزش تعریف کرد که از طریق اختصاص زمان و ضمن تلاش و نیز پذیرش ریسک‌های مالی، روانی و اجتماعی، به‌منظور دریافت پاداش‌های مالی و رضایت شخصی از نتایج کار، حاصل می‌شود (به نقل از فیض بخش، ۱۳۹۰).

با توجه به تعاریف فوق، کارآفرینان افرادی مصمم و خلاق‌اند که با تلاش خود فرصت‌ها و موقعیت‌ها به عمل تبدیل می‌کنند. در جمع‌بندی تعاریف یاد شده می‌توان اذعان داشت که کارآفرینی یک علم میان‌رشته‌ای است و با مؤلفه‌های اقتصاد، روان‌شناسی و مدیریت در ارتباط است.

در یک برداشت سطحی و غلط، کارآفرینی به‌عنوان یک نوع شغل یا ایجاد شغل تعریف می‌شود. در صورتی که کارآفرینی یک نوع نگرش رفتار و فرهنگ در ارتباط با دنیای کار است. لذا کارآفرینی عبارت است از فرهنگ خلاقیت و نوآوری توأم با ریسک‌پذیری در فضای کسب و کار (مجبی ۱۳۹۲). به عبارت دیگر کارآفرینی فرهنگ ارزش‌آفرینی در فرایند کسب و کار<sup>۴</sup> است. (طراحی، راه‌اندازی، اداره و مدیریت کسب و کار، کیفیت در محصول و...).

دنیای فکری کارآفرینان با سه کلمه تغییر، فرصت<sup>۵</sup> و نیازآفرینی همراه است؛ کارآفرینان یا عامل تغییرند یا با تغییرات همراه می‌شوند (تغییرات اجتماعی، اقتصادی، فناوری و...). کارآفرینان تغییرات

**کارآفرینی فرهنگ  
ارزش‌آفرینی در  
فرایند کسب و کار  
است. (طراحی،  
راه‌اندازی، اداره  
و مدیریت کسب  
و کار، کیفیت در  
محصول و...)**

را به صورت یک فرصت نگاه می‌کنند.

در این فرایند، کارآفرینان فرصت‌های کسب و کار را ایجاد می‌کنند (خلق فرصت) یا فرصت‌های موجود را تبدیل به موفقیت‌های کسب و کار می‌کنند (کشف فرصت و شکار آن).

کارآفرینان یا به دنبال پاسخ دادن به نیازهای حال و موجود جامعه و یا به دنبال نیازآفرینی برای موقعیت‌های آینده زندگی بشری هستند. با توجه به برداشت‌های فوق، می‌توان از کارآفرینی فردی، سازمانی و اجتماعی نیز سخن گفت و با این اشاره می‌توان از کارآفرینی تعاریف دیگری را نیز بیان داشت، از جمله:

۱. کارآفرینی فراتر از شغل و حرفه است، یک شیوه زندگی است (شیوه‌ای توأم با خلاقیت و ریسک‌پذیری و ارزش‌آفرینی در فضای کسب و کار).

۲. کارآفرینی فرهنگ و شیوه تفکر و عمل مبتنی بر فرصت است.

۳. کارآفرینی شناسایی، ارزیابی و بهره‌برداری از فرصت‌ها به منظور خلق و اجرای ایده است. (سال ۲۰۰۳).

۴. کارآفرینی به منزله یک رفتار، تابعی از نگرش نسبت به عمل، هنجارهای ذهنی، باور به خودباوری و... است.

۵. فرصت‌ها در واقع قلب و نقطه آغازین کارآفرینی است. در این ارتباط دو نظریه وجود دارد: نظریه کشف فرصت، نظریه خلق فرصت.

### کارآفرینی به یک رویکرد در آموزش و پرورش

تحقیقات مؤید آن است که ۵۰٪ فناوری‌های دنیا در شرکت‌های کوچک و متوسط (شرکت‌های سی‌چهل نفره) کارآفرینانه تولید می‌شود (فیض بخش ۹، ۱۳۹۰). همین یک آمار می‌تواند اهمیت تربیت

کارآفرینانه را برای ما روشن نماید. لذا می‌توانیم ادعا کنیم کارآفرینی برای کشور ما نه یک ضرورت، بلکه یک الزام است.

بر این مبنا دانشگاه‌ها باید کسانی را تربیت نمایند که بتوانند در جامعه ساکنان دار کسب کارها و فعالیت‌های نوآور باشند. دانشگاه‌ها برای دستیابی به چنین هدفی در حال تغییر رویکرد خود از رویکرد آموزش محور و پژوهش محور به کارآفرینی گرا هستند (۱۰ همان منبع).

اگر این رویکرد را بپذیریم بازنگری برنامه‌های آموزشی و فرهنگی آموزش و پرورش نیز ضرورت می‌یابد. بنابراین می‌توان اذعان داشت که کارآفرینی در آموزش و پرورش، پیش از آنکه در قالب یک کتاب مطرح شود، باید به عنوان یک رویکرد مطرح شود تا هم برنامه‌ها و هم معلمان و مدیران فعالیت‌های خود را با رویکرد کارآفرینی طراحی و اجرا نمایند.

### بیان مسئله

در تبیین مسئله کارآفرینی باید این مقوله را در یک نگرش سیستمی مورد تحلیل قرار داد. در نگرش سیستمی سه عنصر درون‌داد، فرایند و برون‌داد مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در توسعه کارآفرینی خانواده، آموزش و پرورش، فرهنگ جامعه، سازمان‌ها و دولت به عنوان عوامل درون‌داد نقش دارند. در این فرایند نقش خانواده و آموزش و پرورش بسیار حساس و کلیدی است، زیرا در ساخت شخصیت کارآفرینی نقش ایفا می‌کند. در بخش فرایندها، هماهنگی عوامل فوق، وجود سیاست‌ها و برنامه‌های روشن و وجود مراکزی جهت شناسایی، آموزش و مشاوره نقش کلیدی دارند. در صورت موفق شدن عوامل درون‌داد و فرایند، نگرش مثبت جوانان به توانمندی، توسعه خلاقیت و نوآوری، رشد کمی و کیفی کسب و کارهای کارآفرینانه، افزایش ثروت در جامعه،

**دنیای فکری  
کارآفرینان با سه  
کلمه تغییر، فرصت  
و نیاز آفرینی همراه  
است**

رشد شاخص‌های اقتصادی و افزایش خودباوری را، به‌عنوان نشانه‌هایی از برون‌داد، شاهد خواهیم بود.

در یک تحلیل اجمالی می‌توان ادعان داشت که خانواده نسبت به مقوله کارآفرینی تربیت دانش‌آموزان آگاهی لازم را ندارند. لذا آموزش و پرورش با توسعه شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش و زمینه‌سازی جهت ارتباط دانش‌آموزان با بازار کار و کسب مهارت‌های کسب و کار گام‌هایی در جهت توسعه کارآفرینی برداشته است.

البته این فعالیت‌ها با استانداردهای مطلوب فاصله زیادی دارد، چرا که باید مهارت‌های کارآفرینی از دوره ابتدایی به‌صورت تلفیقی با دروس دیگر آموزش داده شود. در عین حال میزان موفقیت آموزش و پرورش در شاخص برون‌داد کارآفرینی در حد مطلوب ارزیابی نشده است.

کیامنش و... در ارزیابی از شاخص‌های برون‌داد هنرستان‌های کاردانش (منطقه ۲ تهران)، از جمله کارآفرینی (ایجاد نگرش مثبت توانمندی، میزان کارآفرین بودن خود، میزان موفقیت در تربیت نیروی کارآفرینی و...) وضعیت را نامطلوب گزارش کرده‌اند. شیخ‌الاسلامی، زین آبادی و صالحی (۱۳۹۱) در ارزیابی دیگری میزان توفیق برنامه‌های کارآفرینی را در هنرستان‌های تهران، نامطلوب گزارش کرده‌اند. مهرعلی‌زاده و... ۱۳۹۱ در تحقیق خود گزارش داده‌اند که روحیه کارآفرینی در دانش‌آموزان نهادینه نشده است.

مطالعات مربوط به جی ای ام (GEM) نیز مؤید آن است که کارآفرینی در ایران در شاخص‌های ادراک و گرایش کارآفرینانه، فعالیت‌های کارآفرینانه و اشتیاق به کارآفرینی در حد مطلوب نیست.

با توجه به اهمیت کارآفرینی از یک سو و نتایج پژوهش‌ها مبنی بر فاصله تا سطح مطلوب به‌نظر می‌رسد باید برنامه‌های کیفیت بخشی مناسبی

طراحی و اجرا گردد. در این طرح به بعضی از این راهکارها اشاره شده است.

### راهکارهای توسعه کارآفرینی در آموزش و پرورش

۱. پذیرش و تثبیت کارآفرینی به‌عنوان یک رویکرد در برنامه‌های درسی و فرهنگی؛
۲. تدوین نشانگرهای کارآفرینی در برنامه درسی ابتدایی و متوسطه؛
۳. تدوین نشانگرهای کارآفرینی در فرایند تدریس؛
۴. بررسی عملکرد مدارس براساس نشانگرهای کارآفرینی؛
۵. تحلیل برنامه درسی (قصد شده، اجرا شده و کسب شده) کارآفرینی در دوره کاردانش؛
۶. برگزاری نشست‌های تخصصی در خصوص کارآفرینی برای همکاران ستادی، استانی، منطقه‌ای و مدرسه‌ای؛
۷. برگزاری دوره‌های آموزشی و تأمین مدرس در زمینه کارآفرینی؛
۸. جهت‌گیری مناسب درس کار و فناوری در جهت توسعه فرهنگ کارآفرینی؛
۹. تدوین بسته‌های آموزشی برای هر یک از دانش‌آموزان مقاطع تحصیلی (توسط بخش خصوصی)؛
۱۰. آموزش مستقیم مهارت‌های کارآفرینی به دانش‌آموزان با همکاری دانشکده کارآفرینی؛
۱۱. تدوین استانداردهای کارآفرینی مربوط به دوره‌ها و فعالیت‌های فرهنگی دانش‌آموزی؛
۱۲. جهت‌گیری مسابقات و جشنواره‌های دانش‌آموزی با رویکرد کارآفرینی،
۱۳. جهت‌گیری کارگاه‌های درس کار و فناوری با بهره‌گیری از تجهیزات هنرستان‌ها؛
۱۴. برگزاری المپیاد کار و فناوری.

کارآفرینی در آموزش و پرورش، پیش از آنکه در قالب یک کتاب مطرح شود، باید به‌عنوان یک رویکرد مطرح شود تا هم برنامه‌ها و هم معلمان و مدیران، فعالیت‌های خود را با رویکرد کارآفرینی طراحی و اجرا نمایند

#### \*پی‌نوشت‌ها

۱. سپهری محمدرضا، رئیس مؤسسه توسعه کار و تأمین اجتماعی
۲. راهکار ۵-۶ سند تحول
۳. برنامه دکتر فانی (بند ۶-۱) برای تصدی وزارت آموزش و پرورش
۴. سند سیاست‌های اقتصادی مقاومتی
5. creative destruction
۶. دکتر مفیدی در یکی از نوشتارهای خود بیان داشته است، اگر کلمه Entrepreneur به ارزش آفرینی ترجمه می‌شد بهتر بود
7. changn
8. opportunity
۹. فیض بخش علیرضا، کارآفرینی انتشارات دانشگاه شریف ۱۳۹۰
10. Entrepreneurial- oriented